

تحلیل گزیده‌ای از اشعار سیاسی - اخلاقی فیلیس ویتلی شاعر آفریقایی - آمریکایی
بر اساس نظریه استدلال‌ورزی استفن. ای. تولمین

ویدا سبزواری بیدختی^۱، سعید روزبهانی^{۲*} و ابوالقاسم امیراحمدی^۳

چکیده

استدلال‌ورزی، از فرض‌ها یا مقدمه به عنوان گزاره‌های معلوم و حقیقی برای نشان دادن گزاره‌های نو استفاده می‌شود. این فرایند، به‌ویژه در حیطه اخلاق و مذهب، ممکن است اندیشه‌ها، عقاید، و جهان‌بینی مخاطب را چنان تحت تأثیر قرار دهد که شخص به‌ناچار در جهت اصلاح آنها قدم برمی‌دارد. استفن. ای. تولمین، فیلسوف مشهور قرن بیستم، صاحب نظریه استدلال‌ورزی، استدلال‌ات موجود را در شش مؤلفه ادعا، داده‌ها، برهان، پشتوانه برهان، ردیه و شاخص‌های قطعیت کلام تقسیم‌بندی کرده است. چنین نظریه اقناعی را می‌توان در شعر فیلیس ویتلی (۱۷۸۴م)؛ اشاره کرد. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل و اکاوی استدلالی و مضمونی چند قطعه سیاسی - اخلاقی برگزیده از اشعار شاعر فوق براساس نظریه فوق، صورت گرفته است. در این مقاله سعی شده به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: ویتلی در قالب اشعار سیاسی - اجتماعی منتخب چه ادعاها و یا توصیه‌هایی و چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی را برای اقناع مخاطب و تأیید دعاوی خود استفاده کرده است؟ شاخص‌های قطعیت به کار رفته در داده‌ها، دعاوی و برهان‌ها کدام‌اند و تأثیرهای ممکن و محتمل آنها بر لحن و کلام شاعر چیست؟ نتایج حاصل از این مقاله عبارتند از: در قطعه الف، دعاوی، نژادپرستی و برهان‌ها، وراثت، در قطعه ب، دعاوی: آزادی، امیدبخشی، نام نیک و برهان‌ها: سیاست و جهان‌بینی، در قطعه ج، دعاوی: امیدبخشی، خداشناسی، عدالت‌گستری و برهان‌ها: جهان‌بینی و اخلاق اجتماعی، در قطعه چهارم، دعاوی: خداشناسی، پیروی از عالم، پرهیز از گناه و برهان‌ها: جهان‌بینی عقیدتی، اخلاق شخصی و اخلاق علم‌آموزی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: استدلال‌ورزی، ویتلی، نظریه، تولمین، تحلیل.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزواری، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزواری، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزواری، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزواری، ایران. (نویسنده مسئول)

roozbahani@iaus.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزواری، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزواری، ایران.

مقدمه

استدلال یا گواه‌آوری، ترکیب قانون‌مند قضیه‌(های) معلوم برای رسیدن به قضیه‌(های) نو است. در این فرایند، ذهن بین چند قضیه، ارتباط برقرار می‌کند تا از پیوند آنها، نتیجه زاده شود تا به این ترتیب نسبتی مشکوک و مبهم به نسبتی یقینی تبدیل شود. به عبارتی دیگر، به تجمیع تصدیقات برای اثبات تصدیقی دیگر «استدلال» گفته می‌شود. (عالمی، ۱۳۸۹: ۸) در دیدگاه‌های سنتی، استدلال دارای ساختار داخلی یک یا چند فرض یا مقدمه، استفاده از یک روش استدلالی (استقراء، قیاس، و...) و نتیجه یا ادعا می‌باشد. در این دیدگاه، هر استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود.

استدلال، در رایج‌ترین شکل آن، شامل یک فرد حامی و یک فرد مخالف درگیر در گفتگو است، به نحوی که هر کدام تلاش می‌کنند تا یکدیگر را متقاعد کنند. انواع دیگر گفتگو علاوه بر اقناع، مناظره، پرس‌وجو، مذاکره، مشورت و روش دیالکتیکی است. در دیدگاه‌های سنتی، استدلال دارای ساختار داخلی زیر است:

۱. یک یا چند فرض یا مقدمه

۲. استفاده از یک روش استدلالی (استقراء، قیاس و ...)

۳. یک نتیجه یا ادعا.

در دیدگاه سنتی استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود. در این دیدگاه، غالباً، منطق کلاسیک به عنوان روش استدلال به خدمت گرفته می‌شود تا نتیجه مدّ نظر به صورت منطقی از مقدمه حاصل شود. اما در این صورت، سؤال مطرح این است که اگر مفروضات مقدمه بیش از یک مورد بوده و با هم همخوان و سازگار نباشند، به لحاظ منطقی، در نهایت می‌توان به هر نتیجه‌ای، هرچند ناپایدار، رسید. در طول تاریخ فلسفه، این چالش، محققان و فیلسوفان بسیاری را برآن داشته است که در این زمینه نظریه‌پردازی کنند؛ یکی از این افراد، استفن ای. تولمین^۱ فیلسوف تحصیل‌کرده در کمبریج و نظریه‌پرداز در این حوزه است.

^۱ Estephan E. Toulmin

استدلال‌ورزی، از فرض‌ها یا مقدمه به عنوان گزاره‌های معلوم و حقیقی استفاده می‌شود تا گزاره‌ای نو رخ بنماید. در نتیجه این فرایند، بویژه اگر در حیطه اخلاق و مذهب صورت گیرد، ممکن است اندیشه‌ها، عقاید و جهان‌بینی مخاطب چنان تحت تأثیر قرارگیرد که وی بیش از پیش به آنها پایبند می‌شود تا در جهت اصلاح آنها قدم بردارد و یا از آنها روبرتابد.

مبانی نظری پژوهش

ارسطو، فیلسوف فاضل یونان باستان، برهان‌ها، مستندات و شواهد قابل استناد در اقناع مخاطب را در دو دسته جای داده است: الف) استفاده از «گواه غیرهنری»^۱ مانند شهادت شاهدان یا مستندات موجود؛ و ب) «گواه هنری»^۲ یا مجموعه استدلال‌ها، قیاس‌ها، استنتاج‌ها، استقراءها و مثال‌هایی که خطیب آنها را فراهم آورده است. این فیلسوف برای اقناعی‌ترکردن برهان‌های گروه «ب» که وی آن را هسته مرکزی استدلال در فن خطابه می‌داند، انجام سه راهکار را پیشنهاد می‌کند: (۱) ایجاد اعتبار یا توسل به برداشت مخاطبان از شخصیت و نفوذ خطیب؛ (۲) ایجاد هیجان یا توسل به احساسات مخاطبان؛ و (۳) اقناع عقلی یا توسل به قوای عقلانی مخاطبان. (نک: ریچاردز، ۲۰۰۸: ۴۱-۵۳؛ کندی، ۱۹۶۳: ۸۷-۱۰۲)

به نظر می‌رسد سه ویژگی مزبور، یعنی؛ ایجاد اعتبار، ایجاد هیجان، و اقناع عقلی را بتوان همزمان برای برخی از آثار ادبی بویژه «شعر» با شاعری پرآوازه متصور دانست. شاعران، با نگاه خاص خویش به انسان، جامعه، روابط انسانی، زندگی، بایدها و نبایدهای فرهنگ‌های اجتماعی می‌نگرند و آمال و آرزوهای خود را با گونه ادبی زبان به تصویر می‌کشند و از این رهگذر در مخاطب اثری ژرف می‌گذارند.

استفن. ای. تولمین، از فیلسوفان حوزه اخلاق در قرن بیستم و صاحب نظریه استدلال‌ورزی، هر استدلالی را دارای شش مؤلفه (۱) ادعا، (۲) داده‌ها، (۳) برهان، (۴) پشتوانه، (۵) برهان، ردیه یا

1. Inartistic proof

2. artistic proof

3. claim

4. data

5. warrant

6. backing

7. rebuttal

نقیض برهان، و ۶) شاخص‌های قطعیت کلام می‌داند. وی، با ملاحظه فرایندهای استدلالی و مذاقه در نظریه‌پردازی فلاسفه نسبی‌گرا و مطلق‌گرا، به رایه مدلی شش مؤلفه‌ای دست یازیده که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسبی‌گرایانه است. مدل استدلالی وی نیز ابتدا در کتاب کاربردهای استدلال معرفی شده است. او، بر این باور است که هر استدلال موجه، قانع‌کننده و مقاوم در برابر انتقاد سه مؤلفه اصلی با حضور اجباری (سه مورد اول) و سه مؤلفه فرعی با حضور احتمالی دارد. مؤلفه‌های مزبور عبارت‌اند از:

۱) ادعا: نتیجه‌ها یا توصیه‌هایی که روایی و اعتبار آنها در بحث باید تایید شود.

۲) داده‌ها: شواهد و حقایقی که به‌عنوان پایه‌ها و اساس هر بحث و ادعایی به آنها استناد می‌شود.

۳) برهان: مفروضاتی که داده‌ها را به‌لحاظ منطقی به‌ادعا گره می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نقلی، قانونی، و یا تجربی را می‌توان به‌عنوان برهان و مستندات ادعا تلقی کرد.

۴) پشتوانه برهان: حقایق و برهان‌های دیگری که درحمایت از برهان اصلی بیان می‌شود و یا گزاره‌های معتبری که برهان به واسطه آنها قدرت اقناعی بیشتری می‌یابد.

۵) ردیه یا (نقیض): داده‌هایی هستند که به‌سبب آن برهان اصلی تضعیف شده و ادعا رد می‌شود. به نظر نگارندگان، اگر یک ماده قانون در یک مباحثه برهان محسوب شود، تبصره‌هایی که آن ماده را مشروط می‌کنند، ممکن است از این دست باشند.

۶) شاخص‌های اطمینان: اینها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجه اطمینان، اعتماد، یا تضمین او نسبت به‌دعای مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات، عبارتند از: «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تا آنجا که به‌شواهد دسترسی داریم»، «لزوماً» و نظیر اینها.

فیلیس ویتلی

فیلیس ویتلی (تولد ۱۷۵۳ - مرگ ۱۷۸۴ میلادی)؛ به‌عنوان نخستین شاعر زن آفریقایی-آمریکایی اشاره کرد که اشعارش، وی را به‌مشهورترین آفریقایی روی زمین بدل نموده است. وی، در ۱۱ جولای ۱۷۶۱ در حالی که دخترکی هفت یا هشت ساله بیش نبود، از غرب آفریقا به بردگی

گرفته و به بوستون در ایالت ماساچوست برده شد. (دواک، ۲۰۰۷: ۲) فردی به نام جان ویتلی، از بازرگان با تجربه بوستون، او را برای همسرش سوزانا و کمک به فرزندان دو قلوی هجده ساله‌شان، ماری و ناتانیل، خرید و نام او به فیلیس تغییر داد.

فیلیس، غالب آموزش‌های خود را از ماری ویتلی؛ دختر ارباب، که برای زن و برده‌ای چون او در آن زمانه بسیار فوق‌العاده و بی‌سابقه بوده است، دریافت کرد. وی، زبان انگلیسی، ادبیات کلاسیک بویژه شعر، جغرافیا، تاریخ، کتاب مقدس، تا حدودی لاتین و آموزه‌های مسیحیت را فراگرفت. در آگوست ۱۷۷۱، فیلیس به دست ساموئل کوپر در کلیسای جنوبی کهن غسل تعمید یافت. (کارتا، ۲۰۰۱: ۱۴) تبخّرش در سرودن شعر به زبان غیرمادری‌اش، انگلیسی، به حدّی شد که شخصیت‌هایی چون جورج واشنگتن رئیس جمهور وقت آمریکا کار او را ستایش کرده‌اند (میهان و بل، ۲۰۱۷). شیلدز (۱۹۸۰) بر این باور است که بهره‌برداری ویتلی از کلاسیسیسم، کار او را منحصر به فرد و اصیل، و از این‌رو، از سایر معاصرانش متمایز کرده‌است. (ص ۹۸) شهرت ویتلی از انتشار مجموعه ۳۹ قطعه‌ای از اشعار کوتاه و بلند این زن سیه‌چهره در مجلدی با عنوان شعرهایی با موضوعات مختلف، مذهبی و اخلاقی^۱ در سال ۱۷۷۳ میلادی سرچشمه گرفته‌است.

پرسش‌های پژوهش

بدین ترتیب، در این مقاله، بدون هیچ پیش‌فرض خاصی سعی گردیده به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

- ۱ - ویتلی در قالب اشعار سیاسی / اجتماعی منتخب چه ادعاها و یا توصیه‌هایی مطرح کرده است؟
- ۲ - این شاعر از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی - اعم از عقلی، نقلی و قانونی - برای اقناع مخاطب و تأیید دعاوی خود استفاده کرده‌است؟
- ۳ - شاخص‌های قطعیت به کاررفته در داده‌ها، دعاوی و برهان‌ها کدام‌اند و تأثیرهای ممکن و محتمل آنها بر لحن و کلام ویتلی چیست؟

^۱ Poems on Various Subjects, Religious and Moral

پیشینه پژوهش

سبزواری و دیگران (بی‌تا) با بررسی نمونه‌ای از مناظره‌های پروین اعتصامی در چارچوب مدل تولمین، از نظر نوع و زمینه دعای، برهان‌های زیربنایی و میزان قاطعیت در لحن شاعر، سبک استدلالی وی را واکاوی نموده‌اند. اسکویی (۱۳۹۴) هم در مقاله خود به بررسی نقش برجسته فرهنگ و ادبیات عامیانه در تحکیم بنیادهای معنایی و استدلالی ادبیات رسمی پرداخته است. لیکن پژوهشی که مربوط به موضوع مقاله باشد به صراحت انجام نگرفته است. امیدوارم که این پژوهش مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مزینانی و نصیری (۱۳۹۷)، هم در پژوهش خود، با انتخاب چند قطعه سیاسی - اخلاقی از سروده‌های ویته‌لی، به تحلیل اندیشه‌های او پرداخته‌اند. عبدالمهی و عمل صالح (۱۳۹۱) نیز به بررسی ساختار استدلال در سه متن از نویسندگان مختلف دوره قاجار اشارتی کرده‌اند.

بحث و بررسی

نظریه استدلال تولمین که به زعم خود او در ابتدا برای تقویت دعای و دفاعیه‌ها در دادگاه طرح شده بود، به حوزه‌های زبان‌شناختی تحلیل خطابه، تحلیل گفتمان و مطالعات تطبیقی نیز بسط داده شده است. مدل استدلال تولمین (۱۹۵۸-۲۰۰۳) که ابتدا در کتاب «کاربردهای استدلال» معرفی شده، نه تنها از ناخشنودی او از مطلق‌گرایی^۱ - به عنوان دیدگاه معرفت‌شناختی بنیادگرایان هم عصر با او - سرچشمه می‌گیرد، بلکه، همزمان از تعارض افکار او با بینش نسبی‌گرایی زاده شده است. این بینش را می‌توان به عنوان یکی از دیدگاه‌های افراطی معرفت‌شناسی لحاظ کرد که در طیف مقابل مطلق‌گرایی است. تولمین رویکرد نوینی را به عنوان سومین گزینه، یعنی؛ نه مطلق‌گرا و نه نسبی‌گرا، در تبیین و ملاحظه چنین مسائلی معرفی کرد که دلیل (argument) را به عنوان مفهومی مرکزی در نظر می‌گیرد که با لحاظ آن، استنتاج (reasoning) را می‌توان درک کرد.

تولمین برای اینکه دیدگاه خود را درباره زندگی روزمره و رد مطلق‌گرایی، البته بدون باور به نسبی‌گرایی، تبیین کند مفهوم زمینه‌های استدلال^۲ را معرفی کرده است؛ وی بر این باور است که

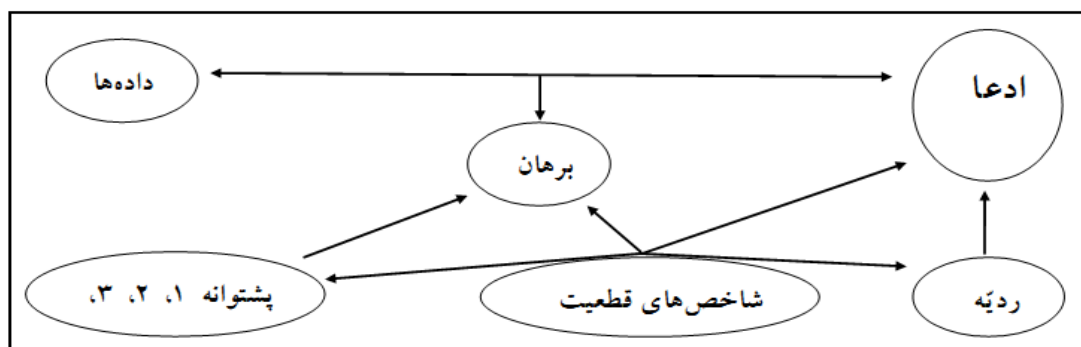
^۱ Absolutism

^۲ argument fields

برخی از مؤلفه‌های استدلال از هر رشته (درسی، فکری، علمی، و ...) به رشته‌ای دیگر، از هر زمینه به زمینه‌ای دیگر و یا از هر حوزه به حوزه‌ای دیگر متفاوت است و از این رو به عنوان «زمینه - وابسته»^۱ نامیده می‌شوند، در حالی که جنبه‌های دیگر استدلال در تمام رشته‌ها، حوزه‌ها و زمینه‌ها یکسان بوده و کاربرد دارند و از این رو نام «زمینه مستقل»^۲ به آنها اطلاق می‌شود؛ به دیگر سخن، برخی از باورها، مفروضات، و مقدماتی که استدلال‌ها بر مبنای آنها شکل می‌گیرند، مطلق و یا جهان شمول هستند و برخی دیگر نسبی و یا وابسته به بافت. به عنوان مثال، مبانی استدلال‌هایی که در زمینه‌های ریاضیات و فرهنگ صورت می‌گیرند غالباً از این نظر با هم متفاوت‌اند که در اولی، جهان شمول (زمینه مستقل)‌اند و در دومی نسبی. (زمینه وابسته)

در همین زمینه، این فیلسوف در کتاب دیگر خود با عنوان *فهم انسان* بر انسان‌شناسان نسبی‌گرا می‌تازد و استدلال می‌کند که گرچه این گروه تأثیر تغییرات فرهنگی بر استدلال‌های منطقی را درک کرده و پذیرفته‌اند، ولیکن، اهمیت جنبه‌های نسبی و زمینه وابسته استدلال را بیش از حد مورد توجه قرار داده و عناصر جهان‌شمول و زمینه مستقل را نادیده گرفته‌اند. (نک: Toulmin, 1972) از همین رو، تولمین در طول کار خود برای ارائه راه حل‌هایی برای مشکلات مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی تلاش می‌کند تا استانداردهایی را برای ارزیابی ارزش ایده‌ها بسط دهد که نه مطلق و نه نسبی‌گرایانه‌اند.

نمودار ۱: بازنمون روابط حاکم بین مؤلفه‌های مدل استدلال تولمین در روش تحقیق پیشنهادی



^۱ field-dependent

^۲ field-independent

با این اوصاف، پاسخ به سؤالات پژوهشی این مقاله، مستلزم تفکیک ابیات هر شعر منتخب به مؤلفه‌های استدلالی در چارچوب فوق است. لذا، برای آشنایی هرچه بیشتر خواننده با شیوه تحلیل و توصیف، نگارندگان، متن ذیل را به‌عنوان نمونه و به نحوی که هر شش مؤلفه تولمینی را دارا باشد، طراحی نموده‌اند: «من در اراک متولد و بزرگ شده‌ام [داده]، و بی شک ^{شاخص} ایرانی هستم [ادعا]، زیرا اراک در محدوده مرزهای سیاسی ایران است [برهان]. هر کس ^{شاخص} در محدوده مرزهای سیاسی یک کشور متولد شود قانوناً ^{شاخص} تابع آن کشور محسوب می‌شود [پشتوانه]. البته، گمان می‌کنم ^{شاخص} اگر کسی به علت جاسوسی و یا خیانت به کشور مجرم شناخته شود تابعیت او لغو می‌گردد [ردیه].»

در این متن، محقق، مؤلفه‌های استدلالی را به تفکیک نشان داده است. در چارچوب مدل تولمین، نویسنده متن فوق پس از ارایه داده‌ها یا اطلاعاتی درباره محل تولد و بزرگ شدن خود، این ادعا را طرح کرده که ایرانی است. وی پس از طرح ادعای خود و برای اثبات آن از برهان عقلی «اراک در محدوده مرزهای ...» بین داده‌ای که درباره محل تولد خود ارائه کرده و ادعای مطرح پل می‌زند. این نویسنده به این برهان عقلی بسنده نکرده و برهان قانونی «هر کس در محدوده مرزهای ...» را به‌عنوان پشتوانه به خدمت می‌گیرد. از طرفی، او، ضمن طرح ادعای خود، با شاخص‌های قطعیت «بی شک» و «هر» بر صحت و صدق ادعای ایرانی بودن و برهان قانونی خود تأکید می‌نماید، اما با شاخص «گمان می‌کنم» درباره صحت اطلاعاتی که به عنوان استثنا یا ردیه مطرح کرده، ابراز تردید کرده است. در این مثال، اگر ردیه را شخص دیگری مطرح و اثبات کند، ادعای نویسنده این متن را رد کرده است.

در این چارچوب، تمامی انتقادات، پیشنهادها، توصیه‌ها، جملات امری و نتایج مطرح در این پژوهش عنوان «ادعا» به خود می‌گیرند. بنابراین، «گاهی اوقات باید به ورای صورت‌های لفظی جملات نگاه کنیم. اگر منظور واقعی از آنچه گفته شده، بیان یک ادعا است باید آن را بخشی از یک استدلال تلقی کرد». (کانوی و مانسون، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸)

ووداک (Ruth Wodak) مُبدع و طراح اصلی رویکرد گفتمانی - تاریخی، در باب شناخت برهان- های عقلی می نویسد: «این اشارات و مواضع عقلی^۱ قابل استنتاج را - که با عنوان طرح‌واره‌های استدلالی نیز از آنها یاد می‌شود - می‌توان به عنوان بخشی از استدلالاتی توصیف کرد که گوینده در دفاع از ادعاهای خود مطرح می‌کند». (Wodak, 2001: 74) درخصوص شناسایی آنها در متن نیز، ریزیل و ووداک می- نویسند: «مواضع عقلی لزوماً با صراحت بیان نمی‌شوند، اما اگر به صورت جمله‌های شرطی یا علت و معلولی اگر (الف) پس (ب) و وجود (الف) به علت (ب) به صورت صریح‌تر ادا شده باشند، راحت‌تر می‌توان آنها را شناسایی کرد». (Wodak ; Rizail, 2009: 102 به بعد)

ووداک ضمن تحلیل گفتمان‌های تبعیض‌آمیز پانزده موضع عقلی غالباً با تعریف کلی زیر را شناسایی کرده است: (۱) مزیت یا سودمندی، (۲) بی‌فایده‌گی و ضرر، (۳) تعریف؛ (۴) [پیش‌گیری از] خطر یا تهدید، (۵) انسان دوستی، (۶) عدالت، (۷) مسؤولیت و پاسخ‌گویی، (۸) [رفع] فشار و سنگینی، (۹) [صرف بهینه] امکانات مالی و پول، (۱۰) واقعیت، (۱۱) [استناد به] اعداد و ارقام، (۱۲) قانون و حق‌مداری، (۱۳) تاریخ [تجربه]، (۱۴) فرهنگ [و عرف]، (۱۵) [مقابله با] سوءاستفاده». (Wodak, 2001: 74-76).

مزینانی (۱۳۹۶) نیز از میان نمونه‌های گردآوری شده از کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، در مجموع ۲۲ موضع عقلی را شناسایی و تعریف کرده است. از این ۲۲ موضع، ۸ مورد با فهرست ووداک مشترک‌اند که از ذکرشان خودداری می‌گردد، اما ۱۴ مورد زیر بدیع هستند: «(۱) بازدهی و بهره‌وری، (۲) عذر مقبول، (۳) اتمام حجت، (۴) افراط و تفریط ممنوع، (۵) طرد امیال و هواهای نفسانی، (۶) دین‌گروهی، (۷) اولویت و ضرورت، (۸) اجماع، (۹) استطاعت، (۱۰) وجوب/فوریت زمانی، (۱۱) پیامد نیکو، (۱۲) توازن کار و دستمزد، (۱۳) انصاف از خود و (۱۴) صداقت» (مزینانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

تحلیل اشعار منتخب ویتلی براساس نظریه تولمین

الف) قطعه «آورده شدن از آفریقا به آمریکا»

وی، در این قطعه اسارت خود را به تصویر می‌کشد. چنان‌که از ظاهر این شعر برمی‌آید، شاعر ربوده‌شدن منتهی به مسیحی‌شدن خود را رحمتی از جانب خدا می‌دانسته است:

¹. topo or locus

- On being brought from Africa to America.

• دربارهٔ آورده شدن از آفریقا به آمریکا

'Twas mercy brought me from my Pagan land,
Taught my benighted soul to understand

رحمت بود که مرا از موطن کفر (به اینجا) آورد، و به روح شب‌زده‌ام آموخت که بفهمد، [ادعا متضمن
داده]

That there's a God, that there's a Saviour too:
Once I redemption neither fought nor knew,

که خدا هست، که یک ناجی هم هست: زمانی نه دغدغهٔ رستگاری داشتم و نه می‌شناختمش [داده متضمن
برهان]

Some view our sable race with scornful eye,
"Their colour is a diabolic die."

برخی نژاد سیاه ما را به چشم تمسخر می‌نگرند [داده]، (و می‌گویند) «رنگ آنها بنایی اهریمنی است» [ادعا]

Remember, Christians, Negroes, black as Cain,
May be refin'd, and join th' angelic train

بهبوش! ای مسیحیان و آفریقایی‌ها، سیاه قابیل تبار، ممکن است ^{شاخص} تزکیه شود و به قطار آمرزیدگان
پیوندد. [ادعا] (wheatly, 1773: 7).

در مطلع این شعر، به نظر می‌رسد ویتلی با بینش کسانی که سیاهان را به این خاطر که آفریقا
سرزمین جهل و کفر است، به بردگی می‌گرفتند، موافق بوده و از این جهت، ترک آنجا برای او
خوش آیند بوده است. اما، وی در شعر دیگری با عنوان «خطاب به عالی‌جناب فرمان‌دار دارتموث»
(نک. wheatly, 1773: 27) از این که از پدر و مادر دور است و آنها به خاطر ربوده شدنش
غمگین‌اند، ابراز ناراحتی کرده است. از طرفی، شاعر به این که در موطن خود آزاد بوده حال آنکه
در آمریکا برده شده اشاره‌ای نکرده است.

از آغاز مصراع دوم تا پایان مصراع چهارم، ویتلی با استدلالی آمیخته با داده‌هایی درخصوص
پیشینه‌اش توضیح می‌دهد که چرا این بردگی را خوش اقبالی می‌داند. او، از روحی بی‌خبر از خدا
می‌گوید که چون شب، سیاه و تاریک بوده است و گناه آلود، ولی اکنون با شناخت خدا و مسیح،
زنده و روشن شده است. به عبارتی دیگر، او با «دارای روح» خواندن خود در زمان قبل از گرویدن
به مسیحیت، تلویحاً به کسانی که ملحدان و غیرمسیحیان را فاقد روح می‌دانستند، نیز می‌تازد. در

این میانه، شاعر رنج‌هایی که در اسارت متحمل شده را، هیچ می‌پندارد. با توجه به این مقدمه، در جدول زیر باورهای شخص شاعر در قالب ادعا و برهان مشخص و با زبانی رساتر ثبت شده است:

جدول ۲: دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر شخص شاعر در شعر «درباره آورده شدن به آمریکا»

مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینه طرح
دعاوی	۱. فرصت شناخت و تقرب به خدا برای شاعر از رحمت الهی است.	خداشناسی
	۲. امکان رستگاری، حتی برای سیاهان هم هست، حتی اگر بنا به باور شایع ملعون و نفرین شده باشند.	نفی نژادپرستی
برهان‌ها	۱. برهان عقلی رستگاری: ایمان به خدا موجب رستگاری است.	عقیدتی
	۲. برهان عقلی تاریخ: ویتلی سیاه‌پوست بوده و ایمان آورده است.	تجربی

گرچه برخی ممکن است چهار مصراع اول این شعر را، توجیه و یا تحسینی از جانب ویتلی برای برده‌داری بپندارند، اما چهار مصراع بعدی به شکل غافل‌گیر کننده‌ای خلاف این امر را ثابت می‌کند. از مصراع پنج، شاعر به معلم اخلاق بدل می‌شود و نگرش خوانندگان نژادپرست درباره سیاهان را به چالش کشیده و آنان را به تفکر وادار می‌دارد و معنای حقیقی ایمان به خدا را به آنها گوشزد می‌کند. به علاوه، او در مصراع ششم، در قالب این نقل قول «رنگ آنها بنایی اهریمنی است» باور برخی از مسیحیان مبنی بر ارتباط سیاه‌پوستان با امور شیطانی را به تمسخر گرفته و ناخشنودی خود را ابراز می‌کند. این باورهای نژادپرستانه در جدول ۳ به طور صریح‌تری ثبت شده‌اند:

جدول ۳: دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر نژادپرستان در شعر «درباره آورده شدن به آمریکا»

مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینه طرح
دعاوی	۱. سیاه‌پوستان فرزندان قایبل و نژادی نفرین شده و اهریمنی اند.	نژادپرستی
برهان‌ها	۱. برهان عقلی وراثت: فرزندان ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد را از پدران و مادران خود به ارث می‌برند (یا به باور برخی بار گناه آنها را نیز به دوش می‌کشند).	وراثت

مانی (۲۰۱۵) رحمت تلقی شدن رویداد به بردگی گرفته شدن از سوی بعضی سیاهان مثل ویتلی را حاکی از این امر می‌داند که برده‌داران از ابزار مسیحیت به نحو مؤثری برای شست‌وشوی

مغزی بردگان در آن دوران استفاده کرده تا بدقابلی خود در بردگی و از آفریقا به آمریکا آورده شدن را بپذیرند. «به نظر می‌رسد این باورهای ویتلی به عنوان برده، اظهار نظر مانی راجع به تأثیرپذیری بردگان از اربابان مسیحی‌شان را تأیید می‌کند. زیرا ادعای قابلیت رستگاری برای نفرین‌شدگان و سیاهان نیز از همین مذهب سر برمی‌آورد.» (Mani, 2015: 7-9)

ب) قطعه «خطاب به عالی جناب فرماندار دارتموث»

«این قطعه از سروده‌های سیاسی-اجتماعی ویتلی می‌باشد که در سال ۱۷۷۲ درباره آزادی از ظلم و استبداد سروده است. شاعر، این شعر را خطاب به شخصی به نام ویلیام لیگ؛ فرماندار دارتموث، در انگلستان، که آفریقایی‌تباران را از ظلمی که حاکم پیشین انگلستان به آنها روا می‌داشته رها کرده، سروده است. (نک: Ivestar, 2008: 55 به بعد) ویتلی ضمن دیدار با لیگ (نک. herbert, 1970: 24) و تشکر از خدمات قبلی وی، امیدوارانه از او می‌خواهد از انجام مجدد این گونه اقدامات دریغ نوزد. ویتلی، چنان می‌پنداشته که او دلسوز مردم مستعمره نشین است و به خاطر مقام کنونی‌اش قدرت لازم را نیز دارا است. وی، خوب می‌دانسته که این نامه‌نگاری فرصتی به او می‌دهد که حرف‌هایش به طور فراگیری شنیده شود، تا بلکه مقدماتی فراهم‌گردد تا سرگذشت او برای سایرین تکرار نگردد:

- To the Right Honourable WILLIAM, Earl of DARTMOUTH.

• به عالی‌جناب استان‌دار دارتموث

HAIL, happy day, when, smiling like the morn,
Fair Freedom rose New-England to adorn:

خوشا، مبارک باد، آن روز که آزادی با لبخندی به زیبایی سحرگاهان، باشکوه برخاست تا آمریکا را

آراسته و زیبا گرداند: [داده/ ادعا]

The northern clime beneath her genial ray,
Dartmouth, congratulates thy blissful sway:

دارتموث، که سرزمین شمالی زیر تابش گرمابخش آن است، به مقام فرمانداری جنابان تبریک می‌گوید:

[داده]

Elate with hope her race no longer mourns,

¹. Ivester H.

Each soul expands, each grateful bosom burns,

قوم و تبار این سرزمین که امیدوار گشته بیش از این شاخص سوگواری نمی کنند، هر شاخص روحی می-
گسترده، هر شاخص سینه شاکری می سوزد، [داده / ادعا]

While in thine hand with pleasure we behold
The silken reins, and Freedom's charms unfold.

در حالی که ما با شغف می نگریم که با دست تو، افسارهای ابریشمی، و افسونهای آزادی باز می شوند.

[داده / ادعا]

Thus from the splendors of the morning light
The owl in sadness seeks the caves of night.

بنابراین از شکوه نور بامدادان، جغد در غم و اندوه می جوید غارهای شب را. [داده]

No more, America, in mournful strain
Of wrongs, and grievance unredress'd complain,
No longer shalt thou dread the iron chain,

آمریکا بیش از این شاخص از زورگوییهای غم انگیز، که از کارهای اشتباه با اندوهی جبران ناشدنی نشأت
گرفته، شکوه نمی کند. بیش از این شاخص از زنجیر آهنین نباید بترسید [داده / ادعا / برهان]

Which wanton Tyranny with lawless hand
Had made, and with it meant t' enslave the land.

کدامین سرکشی ظلم و استبداد را با دستان بیگانه با قانونش بنیان گذاشته، و با آن می خواسته تا این
سرزمین را در بند کشد. [داده / برهان]

Should you, my lord, while you peruse my song,
Wonder from whence my love of Freedom sprung,

سرورم، اگر شاخص هنگام خواندن شعر من، از خود پرسیدی که عشق من به آزادی از کجا سرچشمه
می گیرد؟ [سؤال متضمن داده]

Whence flow these wishes for the common good,
By feeling hearts alone best understood,

یا خواسته هایم برای رفاه مردم از چه جریان می پذیرد؟ [سؤال متضمن داده] (بدان) که فقط شاخص با
قلب های حساس درست فهمیده می شود، [ادعا]

I, young in life, by seeming cruel fate
Was snatch'd from Afric's fancy'd happy seat:

من، خردسال، با سرنوشت به ظاهر شاخص ظالم، از دامن خرم و رؤیایی آفریقا ربوده شدم: [داده]

What pangs excruciating must molest,
What sorrows labour in my parent's breast?

چه دردهایی جان کاهی که بایستی شاخص تحمل شود، چه شاخص غمهایی که بر سینه پدر و مادرم سنگینی
می کند؟ [داده]

Such, such my case. And can I then but pray
Others may never feel tyrannic sway?

چنین، شرح حال من است. ولی آیا کاری می‌توانم کرد جز دعا که دیگران هرگز ^{شاخص} حاکمیت استبدادی را حس نکنند؟ [داده/ برهان]

For favours past, great Sir, our thanks are due,
And thee we ask thy favours to renew,

عالی‌جناب، به خاطر الطاف گذشته‌تان، سپاس‌گزاریم و از شما می‌خواهیم که الطافتان ادامه یابد. [داده/ ادعا]

Since in thy pow'r, as in thy will before,
To sooth the griefs, which thou did'st once deplore.

زیرا اینک در ید قدرت شماست، چونانکه پیش‌تر خواست شما بود، که اندوه‌هایی را بزدايید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید. [داده/ برهان]

Not only on the wings of fleeting Fame,
Though praise immortal crowns the patriot's name,

نه فقط ^{شاخص} (زنده) بر بال‌های شهرتی گذرا، (بلکه) طوری که سلطنت‌های جاوید نام این میهن‌دوست را با تحسین ببرند. [ادعا]،

But to conduct to heav'ns refulgent fane,
May fiery coursers sweep th' ethereal plain,

اما برای رسیدن (تان) به معبد درخشان آسمانی، امید که ^{شاخص} اسب‌های آتشین دشت اثیری را بروبند،

And bear thee upwards to that blest abode,
Where, like the prophet, thou shalt find thy God.

و تو را به سمت بالا برکشند به سوی آن عمارت مبارک، آنجا، که چون پیامبر (مان)، تو خدایت را حتماً ^{شاخص} خواهی یافت. [ادعا] (Wheatly, 1773: 26-27)

در مطلع این شعر، آزادی را مایه‌آراستگی و زیبایی کشور، معرفی کرده و در ادامه، ضمن قدردانی از خدمات و اقدامات مخاطب نامه، مجدداً در بیت ششم آزادی را به اله‌ای تعبیر می‌کند که گرچه پس از مدت‌ها انتظار عمومی ظهور کرده است، اما، «به نظر بیمار و رنجور است و رنگ‌پریده». بنابر این، از عالی‌جناب، فرمان‌دار می‌خواهد که «الطافتان ادامه یابد» و «اندوه‌هایی را بزدايید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید».

ویتلی در کنار تصویر روشن از آزادی، توصیفی تیره از استبداد نیز ارائه می‌دهد. او «زورگویی‌های غم‌انگیز»، «زنجیرهای آهنین» به پای بردگان و اسیران و «سنگدلی = روح پولادی» را هم راه‌گشا و هم محصول حاکمیت استبداد می‌داند.

این زن برای این که نشان دهد به نمایندگی از کسانی سخن می‌گوید که این اوضاع را با تمام وجود خود درک کرده‌اند، لحظه‌اسفناکی را به تصویر می‌کشد. این تصویرسازی، به نحوی است که خواننده را وادار می‌کند هرچند برای لحظه‌ای کوتاه خود را به جای قربانیان این چنین وقایعی قرار دهد. توصیه‌های ویتلی در جدول ۴ ثبت شده‌اند:

جدول ۴: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان ویتلی در شعر «خطاب به عالی جناب...»

مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینه طرح
دعاوی	۱. آزادی، شهرها و کشورها را به زیبایی می‌آراید.	آزادی
	۲. امید که در سینه جای گیرد، غم و اندوه در آن رنگ می‌بازد.	امیدبخشی
	۳. صاحبان قدرت و مسند اگر اراده کنند، تغییرات اجتماعی سریع‌تر رخ می‌دهد.	قدرت و تغییر
	۴. در اوان اجرای هر نظم و طرحی نو، چالش‌ها و نواقصی وجود دارد.	تغییر و چالش
	۵. زورگویی‌ها، زنجیرهای آهنین، اقدامات نادرست، و بیگانگی با قانون هم راه‌گشا و هم محصول استبداد هستند و عاقبت منجر به در بند کشیدن مردم می‌شوند.	وصف استبداد
	۶. عشق به آزادی چون چشمه جوشانی است که در دل‌های پاک جاری می‌گردد.	آزادی
	۷. صاحب‌مسندان برای رسیدن به بهشت باید نیکوکار و خدمت‌گزار مردم باشند.	خدمت مردم
برهان‌ها	۱. موضع عقلی استطاعت: صاحب‌مسندان اختیار و قدرت ایجاد تغییر را دارند.	سیاست
	۲. موضع عقلی حق و قانون: آزادی حق است و قانونی.	سیاست
	۳. موضع عقلی مقابله با سوء استفاده: استبداد با سوء استفاده همراه است و بایستی از آن جلوگیری کرد.	سیاست
	۴. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: ظلم و استبداد با فشار و زورگویی همراه است.	سیاست
	۵. موضع عقلی مسئولیت و پاسخ‌گویی: صاحب‌مسندان در قبال جایگاه و اختیارات خود مسؤول‌اند.	سیاست

شاعر، که طی نامه به برهان‌های عقلی الف) حق و قانون، ب) مقابله با سوء استفاده، ج) رفع فشار و سنگینی، د) توالی سختی - سستی متوسل شده، در پایان به مواضع، ه) استطاعت، و) مسؤولیت روی می‌آورد. با این کار، او بسیار هوشمندانه و زیرکانه به مخاطب گوشزد می‌کند که در این مقام هم قدرت انجام تغییرات و اصلاحات را دارد و هم در قبال آن مسؤولیت الهی دارد.

ج) قطعه «خطاب به دانشگاه کمبریج در انگلستان»

در این شعر، شاعر در نامه‌ای دیگر دانشجویان کالج هاروارد را مخاطب قرار داده و به آنها متذکر می‌شود که از مذهب عیسی مسیح که مسیر خداشناسی است، دور نشوند. ویتلی، در اینجا از تصویرسازی مذهبی و استعاره استفاده می‌کند تا به حفظ باورهای مذهبی کمک کند. این شعر از سه بخش متفاوت تشکیل می‌شود: در بخش اول، شاعر برای دریافت توان نوشتن از بارگاه الهی استعانت می‌کند، سپس، با اشاره به سرزمین و دین مادری خود، به مسیحی شدن خود می‌بالد. در بخش دوم، به اهمیت کار پیامبران بویژه سرنوشت عیسی مسیح اشاره کرده و پیروی از آنها را به دانشجویان متذکر می‌شود و در بخش سوم، به دانشجویان سفارش می‌کند در پیشرفت و اصلاح خود بکوشند و از انجام گناه پرهیزکنند.

چنان‌که از ملاحظه بخش اول این شعر پیداست، پیوند بینامتنی ژرفی بین آن و شعر «درباره آورده شدن از آفریقا به آمریکا» که در بالا بررسی شد، وجود دارد. ویتلی، برای ورود به کلام خطابی و توصیه به دین‌داری و پرهیزکاری در بخش‌های دوم و سوم، در بند آغازین، گوشه‌ای از سرنوشت خود را به تصویر می‌کشد و به مسیحی شدن خود می‌بالد:

• TO THE UNIVERSITY OF CAMBRIDGE, IN NEW-ENGLAND

• خطاب به دانشگاه کمبریج، در انگلستان

WHILE an intrinsic ardor prompts to write,
The muses promise to assist my pen;

در حالی که شور و شوقی درونی خواستار نوشتن است، موزه‌ها (=اله‌ها) عهد می‌بندند^{شاخص} که قلمم را یاری دهند؛ [داده]

'Twas not long since I left my native shore
The land of errors, and Egyptain gloom:

مدت زیادی نگذشته از آن زمان که من ساحل (سرزمین) مادری ام را بدرود گفتم، سرزمین خطاها،

تاریکی مصری: [داده]

Students, to you 'tis giv'n to scan the height
Above, to traverse the ethereal space,
And mark the systems of revolving worlds.

ای دانشجویان، بر شماسست که شاخص بلندی‌ها را کاوش کنید در پهناى آسمان، تا از فضای اثیری گذر

کنید، و سامانه‌های این دنیاهای در حال تغییر را معرفی کنید. [ادعا متضمن برهان]

Still more, ye sons of science ye receive
The blissful news by messengers from heav'n,

بعلاوه، شما ای فرزندان دانش، دریافت کنید خیرهای مبارک آسمانی را از زبان پیامبران، [ادعا]

How Jesus' blood for your redemption flows.
See him with hands out-stretcht upon the cross

[بنگر که] چگونه شاخص خون عیسی مسیح برای اصلاح شما جاری می‌شود [داده/برهان] بنگرید او را با دستان

گسترده بسته بر صلیب؛

What matchless mercy in the Son of God!
When the whole human race by sin had fall'n,

چه شاخص رحم بی نظیری است در [دل] پسر خدا! آن هنگام که تمام شاخص نژاد بشر به خاطر گناه [به زمین]

افتاده بودند [داده]

He deign'd to die that they might rise again,
And share with him in the sublimest skies,
Life without death, and glory without end.

او مرگ را پذیرفت تا شاید شاخص (آنها) دوباره برخیزند، و با او در زیباترین آسمان‌ها شریک شوند زندگی‌ای

بدون مرگ، و شکوهی بی پایان را. [داده]

Let sin, that baneful evil to the soul,
By you be shun'd, nor once remit your guard;
Suppress the deadly serpent in its egg.

بگذارید گناه، که شریر مزاحم روح شماسست، از شما دفع شود، نه اینکه ناگاه حصار خود را [در برابر]

آن [در هم بشکنید این مار مرگ‌آور را درون تخمش سرکوب کنید. [ادعا/برهان]

Its transient sweetness turns to endless pain,
And in immense perdition sinks the soul

لذت موقت آن به دردی بی پایان بدل می‌شود، و در ظلمتی مطلق روح را غرق می‌کند. [ادعا/برهان]

(6 :1773 ,Wheatly)

در اولین مصراع از بخش دوم، شاعر مفهوم بلندی را در گزاره «بلندی‌ها را کاوش کنید، در پهنه آسمان» به خدمت گرفته تا وظیفه مخاطبان یا کشف مجهولاتی را به آنها گوشزد کند. تصویری که او از مسیح بر صلیب می‌سازد به مخاطبانش یادآوری می‌کند که صعود به هدف غایی خلقت صرفاً از طریق راهی که او مشخص کرده صورت می‌گیرد. در این زمینه، ویتلی از «به زمین افتادن نژاد بشر به خاطر گناه» سخن می‌گوید که گویا از فرود یا افتادن آدم ابوالبشر از بهشت به زمین نیز حکایت می‌کند؛ افتادنی تا بنی‌بشر بیاموزند که چگونه «دوباره برخیزند». در بخش سوم، ویتلی سه توصیه صریح به «شاگردان» می‌کند و از آنها می‌خواهد کلام او را به عنوان یک «سیاه حبشی» جدی بگیرند.

به عنوان توصیه سوم، ویتلی تقاضا می‌کند که تک تک دانشجویان گناه را از خود دفع کنند تا روزی برسد که با اراده همگانی در جامعه «این مار مرگ‌آور، درون تخمش» خفه شود. به گفته شاعر: گناه، شریر است و شریر، ماری است در کمین نشسته. ویتلی با استفاده از ترکیب استعاری «شما ای گیاهان شکوفنده نژاد بشری» در خطاب به این گروه از دانشجویان، تلویحاً به ویژگی‌های جوانی، سرسختی، و بی‌گناهی اشاره می‌کند که این افراد را در مقایسه با دیگران برای محقق کردن فهرست سفارش‌هایش توانمندتر و شایسته‌تر می‌نماید. این دعاوی و برهان‌های صریح یا ضمنی به کاررفته در جدول ثبت شده‌اند:

جدول ۶: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شاعر در «خطاب به دانشگاه کمبریج»

مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینه طرح
دعاوی	۱. در ورای مصیبت‌های دامن‌گیر انسان و غم و سختی هجران، حکمت و لطف خداوندی نهفته است.	خداشناسی
	۲. دانشجویان برای یاری به خلق خدا، باید به کشف مجهولات دنیوی و اخروی همت ورزند.	کشف مجهولات
	۳. توصیه‌های آسمانی پیامبران راهگشای جویندگان علم و دانش است.	پیروی از عالم
	۴. خون‌های بسیاری از افراد پاک برای تثبیت و تقویت دین ریخته شده‌است، پس باید چون میراثی گرانبها از آن محافظت کرد.	حفظ دین
	۵. طعن، تمسخر و توهین جاهلان نباید مانع رسیدن به اهداف متعالی انسان گردد.	ثبات قدم

<p>ماندگاری نام نیک</p> <p>پیشرفت</p> <p>توبه و خود اصلاحی</p>	<p>۶. راه علم‌اندوزی را پایانی نیست، و نام دانشمندان ماندگار خواهد شد.</p> <p>۷. در راه کسب علوم، هر کسی در هر ساعت باید نسبت به گذشته خود پیشرفت بیشتری داشته باشد.</p> <p>۸. مؤمن باید هر لحظه به کارنامه اعمال خود بیندیشد و در صورت انحراف از مسیر درست، نسبت به اصلاح و جبران آن اقدام نماید.</p>	
<p>جهان‌بینی عقیدتی</p> <p>جهان‌بینی عقیدتی</p> <p>علم‌آموزی</p> <p>جهان‌بینی عقیدتی</p> <p>اخلاق علم‌آموزی</p> <p>اخلاق علم‌آموزی</p> <p>اخلاق شخصی</p> <p>اخلاق شخصی</p>	<p>۱. برهان عقلی پیامد نیکو: برای رسیدن به اهداف باید متحمل سختی شد</p> <p>۲. برهان عقلی تعریف: دانشجو گیاه شکوفنده است؛ گناه شریر مزاحم روح است؛ گناه بزرگترین دشمن است؛ و ...</p> <p>۳. برهان عقلی رفع فشار و سنگینی: کشف مجهولات علمی</p> <p>۴. برهان عقلی فایده و سودمندی: شریک شدن در نعمات آسمانی</p> <p>۵. برهان عقلی بازدهی و بهره‌وری: افزودن بر امتیازات و افتخارات</p> <p>۶. برهان عقلی آموختن از عالم‌تر: پیروی از توصیه‌های پیامبران</p> <p>۷. برهان عقلی محاسبه نفس: خود را هر ساعت از گناه نجات دهید.</p> <p>۸. برهان عقلی رفع تهدید و خطر: گناه دشمن است.</p>	<p>برهان‌ها</p>

در انتهای بخش سوم به عنوان حُسنِ ختام، شاعر، که تاکنون با اعتماد و آفری درباره بهره‌برداری دانشجویان از جوانی و دانش خود سخن گفته، شعر خود را به این پیام ختم می‌کند: گرچه در انجام گناه، سرخوشی و «لذت» نهفته است، اما این اثر «موقتی» است و «دردی بی‌پایان» در انتظار کسانی است که با رفاقت با «بزرگ‌ترین دشمن» انسان و غرق کردن روح خود در «ظلمت مطلق» راه رستگاری و آزادگی را بر خود می‌بندند. توصیه‌های شاعر، با بیان یادآوری باورها و یا داده‌های مذهبی آن هم با لحنِ خبری قاطع، تغییر لحن قاطعانه از خبری به امری در سرتاسر نامه را مشهود می‌سازد. تنها شاخص تضعیف‌کننده‌ای که در این شعر دیده می‌شود فعل معین «شاید = might» در «شاید دوباره برخیزند» است. البته، درباره کاربرد شاخص «ممکن است» نیز بایستی گفت که گویا ویتلی هنگام سرودن نیز از چنان خودآگاهی شاعرانه‌ای برخوردار بوده که مانع از این می‌شده است که وی برای اموری که اراده دیگر مردمان در انجام آن دخیل است، حکم عمومی و یا قطعی صادر کند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بحث عبارتند از:

در قطعه الف «درباره آوردن شدن به آمریکا» دعاوی از زبان شاعر در زمینه‌های نفی نژادپرستی، خداشناسی، پاداش دادن، آزادی، استبدادستیزی، خدمت مردم، ایمان، عدالت‌خواهی، پرهیز از گناه و غیره و برهان‌ها، عقیدتی و تجربی طرح شده‌است. از نظر نژادپرستان، دعاوی، نژادپرستی و برهان‌ها، وراثت می‌باشد.

در قطعه ب «خطاب به عالی جناب استان دار دارتموث»، دعاوی: آزادی، امیدبخشی، نام نیک و برهان‌ها: سیاست و جهان‌بینی طرح شده است. در قطعه ج «خطاب به اعلی حضرت شاه»، دعاوی: امیدبخشی، خداشناسی، اعطای پاداش، عدالت‌گستری و برهان‌ها: جهان‌بینی، اخلاق اجتماعی و حکومت‌اداری طرح شده است. در قطعه چهارم «خطاب به دانشگاه کمبریج در انگلستان»، دعاوی: خداشناسی، پیروی از عالم، کشف مجهولات، پرهیز از گناه و برهان‌ها: جهان‌بینی عقیدتی، اخلاق شخصی و اخلاق علم‌آموزی طرح گردیده است. شاخص‌های قطعیت استفاده شده در سبک ویتلی و بسامد آنها در اشعار منتخب در کل نمونه، عبارتند از: بیش از این (۳۹)، سوال خطاب (۴)، هر (۴)، چه/ چگونه (۲)، هم/تمام (۲)، دعایی (۳)، وجه امری + بایستن (۶)، شاید/ ممکن است (۲)، هیچ و (نه) فقی و هرگز (۱)، اگر (۲) و به ظاهر و عهد بستن (۱). با توجه به این شاخص‌ها، می‌توان چنین اظهار نظر کرد که ویتلی لحن قاطع، بااطمینان و باثباتی دارد. این شاعر بسیار به ندرت - حدود ۳ درصد در نمونه - از شاخص‌های تضعیف‌کننده قطعیت در قالب کلماتی مانند «شاید، ممکن است، و گویا» استفاده کرده است؛ هرچند، هنگامی که به مقامات بلندپایه توصیه می‌کرده، لحن دعایی پیش گرفته تا قاطعیت را تعدیل و یا تضعیف کند. البته، وی در کاربرد شاخص‌های تقویت‌کننده قطعیت نیز تنوع چندانی به خرج نداده و بیان داده‌ها و دعاوی در قالب «سؤال خطابی»، «تعجب و مبالغه»، «امری صریح» فراوان در سبک و لحن او به چشم می‌خورد. غیر از این موارد، ویتلی غالباً ترجیح می‌داده از ساختار قاطع خبری استفاده کند که ذاتاً نیازی به تقویت‌کننده ندارد.

فهرست منابع و مأخذ

الف: کتابنامه

- ۱ - عالمی، روح الله، (۱۳۸۹)، *منطق*، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- ۲ - کانوی، د.، مانسون، ر. (۱۳۹۱)، *مبانی استدلال*، ترجمه تورج قانونی، تهران: ققنوس.
- ۳ - مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). *گفتمان کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم*، رساله دکتری منتشر نشده، مشهد: دانشگاه فردوسی.

ب: مجلات

- ۴ - اسکویی، نرگس، (۱۳۹۴)، «تأثیر فرهنگ عامه بر شعر رسمی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۳۹، صص: ۱-۲۲
- ۵ - روزبهبانی، سعید، و دیگران، (بی تا)، «بررسی شیوه استدلال ورزی در مناظرات پروین اعتصامی بر اساس نظریه تولمین»، مجله پژوهش‌های ادبی شیراز، (در نوبت چاپ می باشد).
- ۶ - عبدالهی، منیژه، عمل صالح، احیا، (۱۳۹۱)، «بررسی ساختار استدلال در سه متن دوره قاجار»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، س ۴. ش ۲، صص: ۱۷۴-۱۵۱.
- ۷ - مزینانی، ابوالفضل؛ نصیری، سحر، (۱۳۹۷)، «طرح روش تحقیق جهت کاربرد نظریه تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی»، مجله جستارهای زبانی، ش ۵۱، صص: ۱۸۹-۱۶۹.

ج: منابع انگلیسی

- 8- Gates, H. L. (2010), *Trials of Phillis Wheatley: America's Second Black Poet and Her Encounters with the Founding Fathers*, Basic Civitas Books
- 9- Kennedy, G. A. (1963), *Greek Rhetoric under Christian Emperors*, New Jersey: Princeton.
- 10- Mani, Manimangai. (2015). "Racial Awareness in Phillis Wheatley's Selected Poems". *International Letters of Social and Humanistic Sciences*. Vol. 56, pp 74-79.
- 11- Meehan, Adam; Bell, J. L.(2017). "Phillis Wheatley: George Washington's Mount Vernon". Mount Vernon.

-
- 12- Reisigl, M., & Wodak, R. (2009). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of critical discourse analysis* (2nd ed., pp. 87–121). London, UK: Sage.
 - 13- Herbert, R. G. (1970). *Life and Works of Phillis Wheatley*. The Black Heritage Library Collection. Plainview, N.Y.: Books for Libraries Press.
 - 14- Richards, J. (2008), *Rhetoric*, London and New York: Routledge.
 - 15- Shields, J. C. (1980). "Phillis Wheatley's Use of Classicism", *American Literature*. 52(1). pp 97-111.
 - 16- Ivester, H. (2009). "The Stamp Act of 1765 – A Serendipitous Find" *The Revenue Society*, Vol. XX, No.3, pp.87–89.
 - 17- Watkins, J. D. (2016). *Literary Subversions: The Enlightenment Subject in Wheatley and Melville*. MA Thesis. San Francisco State University
 - 18- Wodak, R. (2001). The Discourse-historical Approach. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. 63–94). London: Sage
 - 19- Toulmin, S. E. (1972). *Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts*. Princeton University Press.
 - 20- Toulmin, S. E. (1985 [2003]). *The Uses of Argument*. Cambridge University Press.
 - 21- Wheatley, P. (1773). *Poems On Various Subjects, Religious And Moral*. Denver, Colorado: W.H. Lawrence.
 - 22- Carretta, V. (2011). *Phillis Wheatley: Biography of A Genius in Bondage*. Athens: University of Georgia Press.